



انتشارات دانشگاه تهران

شماره ۳۲۸۴

شماره مسلسل ۷۲۰۶

حناچی، پیروز، ۱۳۴۲ -
مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ایران / تألیف پیروز حناچی؛ ویراستار علمی محمود
پورسراجیان. - تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات، ۱۳۹۱.
۱۸۰ ص: مصور (بخشی رنگی)، نقشه (رنگی): ۱۵ × ۱۰ س. م. (انتشارات دانشگاه
تهران؛ شماره ۳۲۸۴).

ISBN 978-964-03-6348-5

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
نوسازی شهری - - ایران. ساختمان‌های تاریخی - - ایران - - نگهداری و مرمت.
محوطه‌های تاریخی - - ایران - - نگهداری و مرمت. پورسراجیان، محمود، ۱۳۶۲ -، ویراستار.
دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات.
۱۳۹۱ ۷۱/۵۰۹۵۵ NA ۹۰۵۳/ ن ۹ ح ۹
شماره کتابشناسی ملی ۲۷۱۶۵۸۵

عنوان: مرمت شهری در بافت‌های تاریخی ایران

تألیف: دکتر پیروز حناچی

ویراستار علمی: مهندس محمود پورسراجیان

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

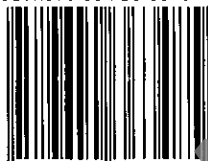
چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

«کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است»

بها: ۱۵۰۰۰۰ ریال

ISBN:978-964-03-6348-5



9 789640 363485

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرشی مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press@ut.ac.ir - سایت <http://press.ut.ac.ir>

بخش و فروش: تلفکس ۸۸۰۱۲۰۷۸

www.ketab.ir

تصاویر ابتدای فصلها برگرفته از کتاب «دومان» است که عبارتند از:

فصل اول: هشتی ورودی منزل فدکی

فصل دوم: سرای کچه‌چی در تبریز

فصل سوم: درب سرخاب (کوچه ملاباشی)

فصل چهارم: پنجره انباری یک منزل مسکونی

مقدمه

و شهرسازی، همواره در ارتباط بسیار تنگاتنگ و متقابل با پیشرفت دانش‌های موجود زمان بوده است.

در هر حال در دوره معاصر کوشش‌های بسیاری در جهان، به‌ویژه در اروپای مرکزی، برای تدوین اصول جامعی به‌منظور حفاظت از شهرها و ابنیه تاریخی انجام شده است. این تلاش‌ها در پی آزمون و خطاها، تجارب علمی و نوسازی نه چندان موفق و گاه حتی مضر، انجام شده‌اند.

نوسازی، بهسازی و تحولات، نه تنها با هدف حفاظت از شهرهای تاریخی، بلکه اضافه بر آن، همواره برای پاسخ به نیازهای شهری و مدیریت تغییرات لازم در این محدوده‌ها هم مطرح بوده است.

از منشور آتن در سال ۱۹۳۱ میلادی و کنگره بین‌المللی معماری مدرن در ۱۹۵۱ میلادی، تا گردهمایی بین‌المللی درباره موجودیت و موقعیت بناهای تاریخی و محیط‌های هنری از نقطه نظر شهرسازی سال ۱۹۵۷ میلادی، تا کنگره ونیز در سال ۱۹۶۴ میلادی، جملگی زمینه‌ساز قطعنامه آمستردام در سال ۱۹۷۵ میلادی، به‌عنوان جامع‌ترین سند اساسی فرهنگی در امر حفاظت و احیای شهر قدیمی هستند. تأکید اصلی قطعنامه آمستردام بر این نکته است که باید با نگرشی خردمندانه و به‌نجوی پویا به ماهیت فرهنگی عناصر کالبدی که در کشورها وجود دارند، نگریست.

درباره شیوه برخورد با بافت‌های تاریخی و نحوه بهسازی این بافت‌ها، نظرات مختلفی در میان صاحب‌نظران وجود دارد. به‌طور خلاصه این نظرات و دیدگاه‌ها را می‌توان به چند دسته کلی تقسیم نمود که در واقع به‌صورت پرسش مطرح می‌شود.

- الف- آیا باید عیناً به تکرار مو به مو آنچه از قدیم به میراث رسیده، پرداخت؟
ب- یا اینکه باید به یک حرکت حاد، یعنی تغییر کامل الگوی مسلط، دست زد و مفاهیم و ارزش‌های اجتماعی حاکم را دگرگون کرد؟
ج- آیا می‌توان راه سومی را پیش گرفت که نه تقلید صرف از گذشته و حفاظت غیرفعال و منفعل باشد و نه دگرگون‌کننده و تغییر شکل‌دهنده میراث فرهنگی، بلکه در پی رسیدن به روشی منطقی باشد که قدم در راه آشتی دادن فضای مدرن و مورد درخواست امروز می‌گذارد؛
روند خلاق حفاظت و باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی و توسعه پایدار و متناسب با بافت‌های کالبدی تاریخی شهری، آمیزه‌ای از تجارب گذشتگان و دستاوردهای دانش امروز ماست.

مرمت و باززنده‌سازی بافت‌های شهری و ابنیه، یکی از شیوه‌های عمده مداخله در شهرهای تاریخی و ابنیه قدیمی است. بسیاری از ثروت‌های تاریخی، به دلیل ارزش‌های بی‌بدیل و ویژگی‌های انحصاری، باید از ورطه نابودی و انهدام نجات یابند؛ زیرا فقط و فقط همان اثر می‌تواند رمز و راز، رنج‌ها و تلاش‌های جانکاه پیشینیان را به نمایش گذارد، کسانی که با اراده و جان‌های بسیار شیفته به خلق شاهکارهای هنری در معبد عشق و خلوص پرداخته و چنین گوهرهایی آفریده‌اند، نباید در پیچ و خم تاریخ به فراموشی سپرده شوند. از این رو بر همه نسل‌ها لازم است که به نگهداری آثار و ثروت‌های فرهنگی پیشینیان همت گمارده و در صورت نیاز به مرمت و بهسازی آنها اقدام کنند؛ هر چند چنین کاری بر زحمت و طاقتفرسا به نظر آید.

روش‌ها و تکنیک‌های مرمت و بهسازی و معاصرسازی بافت‌ها و ساختمان‌های قدیمی و تاریخی، به همراه انقلاب صنعتی و فنی پیشرفت‌های بسیاری کرده است. دستاوردهای تکنیکی، امکان مقابله با نارسایی‌ها را در این امر، افزایش داده‌اند. مرمت و بهسازی را باید با مداخلات نوسازی و بازسازی همراه کرد و سیمای باوقار بافت کهن شهرهای تاریخی را مجدداً روح و حیاتی دوباره بخشید.

آنچه از آشنایی با این تجربیات در دنیا به دست آمده، در این زمینه بسیار آموختنی است. افزایش چشمگیر نقش مردم، به همراه برنامه‌ریزی جامع، و تدارک کافی امکانات و تجهیزات و برقراری ارتباط زنده با مردم، به منظور انتقال دانش و فن و عشق به آنها به‌منظور ترمیم، حفظ و نگهداری میراث‌های فرهنگی‌شان است. البته فرق است بین حفظ ارزش‌های کهن و اصالت بخشیدن به هر اثر به‌جامانده از دیرباز. شرایط زمان و ضرورت‌های حال در چشم‌انداز آینده باید در ارزیابی‌ها، معیار، ملاک عمل و مورد توجه قرار گیرند.

تاریخ پرفراز و نشیب پیدایش و رشد شهرسازی و معماری به‌منظور حفظ و توسعه و نوسازی شهرهای تاریخی، ترکیبی از مجموعه بسیار گسترده‌ای از مسائل علمی، حماسی، اجتماعی، هنری، اقتصادی و انبوهی از تجزیه و تحلیل سبک‌ها، مدل‌ها و روش‌های تجربی و منحصر به فرد است که در طول تاریخ شکل گرفته و امروز به‌صورت یک میراث باارزش به دست ما رسیده است.

پیشرفت و تکامل روزافزون دانش و اندوخته‌های بشری در زمینه‌های معماری

گسترش دانش عمومی در تمامی رده‌ها، برای شناخت شهروندان و ساکنان شهرهای تاریخی و بازشناسی و احترام به ثروت‌های فرهنگی ملی؛ ایجاد امکانات و تسهیلات مناسب به‌منظور شرکت مردم در فعالیت‌های گروهی، برای دخالت مثبت و تغییرات در بافت‌های تاریخی و مجموعه‌های شهری؛ تأکید بر اهمیت، تعلق و همبستگی روانی و فرهنگی ساکنان بومی بافت‌ها و شهرهای تاریخی و جلوگیری از انتقال و مهاجرت ساکنان محلات قدیمی به محلات نوساز؛ از اهم اموری است که در قطعنامه‌های بین‌المللی مرمت شهری به آن اشاره شده است. متأسفانه در کشور ایران، هر سه مورد بالا اتفاق افتاده است و امروزه، یکی از معضلات اصلی شهرهای تاریخی ایران، پاسخگویی مناسب و علمی در مواجهه با همین امور است.

باززنده‌سازی شهرهای تاریخی در ایران، از جمله برنامه‌های عظیم ملی است. پیچیدگی و در عین حال جاذبه و گستردگی موضوع باززنده‌سازی آن را در بریدف زیباترین کارهای اجتماعی و تخصصی قرار داده است. قدم اول برای موفقیت در چنین امر خطیری، علاقه‌مندی و تعهدپذیری نسبت به کاری چنین پیچیده و دشوار خواهد بود. بدون تعهد، مداومت، عشق و علاقه، مشکل بتوان به موفقیت رسید؛ چرا که در مصادیق خاص این کار، هیچگونه الگوی قابل تعمیمی وجود ندارد.

نکته دیگری که باید در این موضوع به آن توجه کرد، این است که هر شهر، تابع شرایط مسائل خاص خود است و فرآیند شکل‌گیری آن، تابعی از شرایط اقلیمی، تاریخی، فرهنگی، زمین‌شناختی، بوم‌شناختی و زیباشناختی، در چارچوب قانون‌های ویژه هر کشور است. به‌همین دلیل است که تجربیات انجام‌شده در نقاط مختلف جهان با یکدیگر قابل‌سنجش و ارزیابی مستقیم نبوده و مطالعه تطبیقی آنها، بدون اتکای به وجه انتزاعی تجربه‌هایی که به دست آمده، امکان‌پذیر نیست. نکته آخر اینکه تمامی عوامل تأثیرگذار بر شهر تاریخی، محدود به عوامل معماری و شهرسازی نیست و استمداد جستن از عرصه‌های متنوع دانش‌های متعدد مانند زیبایی‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم اجتماعی، جغرافیا، روان‌شناسی، بوم‌زیستی و مردم‌شناسی، برای مطالعه میزان تأثیر هر یک از عوامل مذکور در فضای شهرهای مورد بحث، الزامی است.

امروزه، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که باید اصطلاح «ثروت ملی» را جایگزین میراث فرهنگی کنیم؛ زیرا در نظر گرفتن عامل زمان، به تنهایی برای ارزشگذاری بر آثار فرهنگی و تاریخی کافی نیست و به‌طور عام، برای شهر تاریخی جامعیت ندارد.

داشتن ارزشی فرهنگی و ویژه که باعث می‌شود یک اثر در طول سده‌ها، مورد استفاده همگان قرار گیرد، موجب خواهد شد که آن اثر «ثروت فرهنگی عمومی و یا ملی» به حساب آید.

در سده‌های اخیر با گسترش روزافزون علوم و فنون و توسعه صنعتی، شهرهای تاریخی، بیش از پیش، تحت تأثیر عوامل متأثر از این پدیده قرار می‌گیرند. شهرهای تاریخی در ایران، در حقیقت، مجموعه‌های همبسته و همگنی بوده‌اند که توسعه کالبدی و فضایی آنها متأثر از روابط تولیدی و مناسبات اقتصادی محدودشان بوده است. در دوران قبل به علت سرعت کم تغییر این مناسبات، توازن شهر و تعادل آن تا حدود زیادی حفظ می‌شد. بدون تردید تأثیر انقلاب صنعتی و تأثیرات عوامل به‌وجود آمده بعد از رنسانس، در همه شهرهای تاریخی، تأثیراتی جدی را بر جای نهاده است. افزایش روزافزون جمعیت شهری و استقرار و گسترش مناسبات نوین اقتصادی در به هم خوردن تعادل محیط زندگی در یک شهر تاریخی تأثیر بسزایی داشته است.

شهرهای تاریخی از یک طرف به دلیل داشتن ارزش‌های کالبدی و فضایی و از طرف دیگر به دلیل داشتن همبستگی و همگنی خاص خود، باید در برابر عدم تعادل و تأثیرات ناشی از آن، حفاظت و صیانت شوند و در مقابل تغییرات تند و ناگهانی مراقبت شوند. از طرف دیگر، به دلیل ادامه حیات و قبول واقعیت‌های زندگی امروز نیز ناگزیر باید تغییرات مثبتی را پذیرا باشند. بنابراین نمی‌توان به حفظ کالبد شهر تاریخی، به‌صورت جذمی و دگماتیک نگریست، بلکه حفظ پویایی زندگی شهر که در گرو زندگی اجتماعی انسان، به‌عنوان اولین عامل حیات در محدوده شهرهای تاریخی است، باید با تغییرات کالبدی، توأمان صورت پذیرد. شهرهای قدیمی، با وجود تمامی تحولات دوران معاصر و تمامی عوامل مخربی که در دوران‌های مختلف متحمل شده‌اند، این نکته را به اثبات رسانده‌اند که توانایی انعطاف لازم برای حفظ بااروم موجودیت حیاتی خود را با توجه به تحولات عظیم اقتصادی و فرهنگی دارند. از این رو نمی‌توان عنوان کرد که تحول تدریجی و سنجیده، به مقیاس‌های مناسب، در گستره فضای کالبدی بافت‌های تاریخی شهرها وجود نداشته باشد و در نهایت، شهر تاریخی با استمرار روحیات، فرهنگ و الگوهای رفتاری ساکنان بومی خود، همه علاقه‌مندان و فرهنگ‌دوستان را به زیستن به شیوه‌های مناسب و متناسب شهر زیستی نو، وادار کند. بدیهی است که اعمال هر تغییری با توجه به این فرآیند پیچیده، امکان‌پذیر و یا قابل اجرا می‌کند. با وجود آنکه در بیشتر شهرهای ماندگار جهان روند پیوسته تغییر و نوشدن

و جریان پویا و متحول شهرها از دوران کهن به دوره معاصر با حفظ اصول و ارزش‌های گذشته به چشم می‌خورد، کشور ایران، با سابقه طولانی، تجربیات فراوان تاریخی و قدمت بسیار در پدیده شهر و شهرنشینی، از این جریان دور مانده است. گویی که قلب تپنده شهرهای کهن که روزی فعال‌ترین مرکز حیات شهرهای ایران بود، در برهه‌ای از تاریخ تحت تأثیر عوامل گوناگون منجمد شد و گذر زمان در این مرکزیت متوقف شده است. به نظر می‌رسد حیات شهر به‌سرآمده و کالبد آن به مرور پوسیده و تجزیه شده و اکنون این کالبد، مستعد رشد انواع بیماری‌هاست. اقداماتی که در دوره معاصر به‌صورت شتابزده برای نجات این بیمار، صورت پذیرفته نیز گاه به این مرگ شدت بخشیده است؛ یا روند این حرکت را تسهیل کرده و گاهی به‌صورت مسکنی موضعی این روند را به تعویق انداخته است و در بهترین حالت خود نیز پوسته‌ای میرا و شکننده از حیات را به‌صورت موقت بر این عرصه گسترانده است.

آنچه امروز با آن مواجهیم این است که در دل شهرهایی که دیمی به اندازه تاریخ کشورمان دارند، بافتی وجود دارد که از هم پاشیده و فرسوده بوده و در انتظار تکلیفی است که ما برای او تعیین کرده‌ایم؛ این بافت دیگر نه تنها منشای عواطف و خاطرات ساکنان خود نیست، بلکه دیدن و نظاره کردن این بافت‌ها در بینندگان آگاه، اظهار تأسف و در رهگذران عادی، احساس تنفر را بر می‌انگیزد. مکانی مملو از بیماری‌های اجتماعی، فقر و فاقد حداقل استانداردهای زندگی شهری، که دیگر رغبتی را بر نمی‌انگیزد.

امروزه بیشتر کشورهای جهان با این موضوع مواجهند؛ بسیاری قبل از وقوع، پیشگیری کرده‌اند و بسیاری نیز پس از وقوع حادثه، آن را معالجه کرده‌اند. اما ضروری است در کشور عزیزمان با توجه به پیشینه عظیم و تجربیات فراوان، قبل از آنکه بافت‌های تاریخی تبدیل به مناطق بحرانزای شهری شود، اقداماتی علمی و منطقی با روشی اصولی صورت پذیرد، تا تمامی مداخلات، ضمن ساماندهی، با جست‌وجوی هدف مشخصی، روح جدیدی را به کالبد بی‌جان شهرهای تاریخی بدمد. در این صورت نه تنها بسیاری از معضلات شهری حل خواهد شد، بلکه شیوه نگرش به آینده و حل مشکل بهیوتی شهرهای دوره معاصر نیز در تاریخ اقدامات یاد شده قابل جست‌وجو است.

پرداختن به بهسازی و نوسازی شهرها و به‌طور کلی، دخالت در کالبد بافت قدیم، همواره یکی از مسائل اساسی شهرهایی است که قدمت طولانی در شهرنشینی و مدنیت داشته‌اند.

صاحب‌نظران و متولیان امور در کشورها و مدیران محلی این‌گونه شهرها و همچنین برنامه‌ریزان و متفکران، سال‌ها به این مسئله اندیشیده و در نهایت اقداماتی انجام داده‌اند که وضعیت فعلی، منتج از این‌گونه فعالیت‌ها است.

در کشور ما نیز، از حدود یک سده پیش اقداماتی در زمینه‌های مختلف در بافت‌های تاریخی صورت پذیرفته و هزینه‌های مادی و معنوی فراوانی برای دخالت در بافت‌های کهن پرداخت شده است. این اقدامات در ادوار مختلف، گاه، سبب انهدام و یا صدمات جدی به این مناطق و گاه، به‌منظور حفظ آن عمل کرده‌اند. ولی قدر مسلم اینکه، نظریه خاصی در این اقدامات، پیگیری نشده و سیاست‌های مداخله به‌صورت مقطعی و اغلب سردرگم و بدون احاطه کافی به مسئله اتخاذ شده است. بنابراین در نهایت، نتایج مناسبی نیز حاصل نشده است. پس با وجود فعالیت‌های فراوان و با توجه به اینکه یکی از مسائل متخصصان و تصمیمگیران در این امور حفظ مناطق تاریخی و احیای آن بوده و سیاست‌های دولت نیز در دهه‌های اخیر بر این موضوع تأکید داشته‌اند، متأسفانه آنچه در واقعیت عمل مشاهده می‌شود، از تخریب تدریجی و بلاتکلیفی این مناطق حکایت می‌کند.

از این رو ضرورت این کتاب، در حقیقت، جلوگیری از سردرگمی در سیاست‌های مداخله در بافت‌های کهن شهری و روشن کردن راهکارهای مناسب برای مداخله و احیای دائمی و پایدار در مورد این‌گونه بافت‌های کهن است.

همچنین با وجود فعالیت‌های فراوان و پرداخت هزینه‌های مادی و معنوی چشمگیر و قبول ضرورت مداخله در بافت‌های تاریخی، روش علمی و اصولی برای اقدامات عملی تدوین نشده؛ پس این کتاب با جمع‌بندی آرا و تجربیات جهانی از یک‌طرف و اشاره به نارسایی‌ها و نقد فعالیت‌های انجام شده از سوی دیگر، سعی در ارائه راه‌حلی مناسب و فرآیندی کارا برای مداخله در بافت‌های تاریخی را دارد. نتایج پرداختن به این موضوع بررسی تجربیات جهانی و استنتاج مفاهیم و اصول کاربردی آنها؛ بررسی تأثیر اقدامات حقوقی در محدوده تاریخی شهرها؛ جمع‌بندی و ارزیابی نقادانه از سیاست‌ها و برنامه‌های اجرا شده در کشور در راستای مواجهه با بافت‌های تاریخی و دستیابی به روش مناسب از راه استنتاج اقدامات مذکور است.

دکتر پیروز حناچی

دانشیار دانشکده معماری

پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران

۱۳۹۱- تهران